



شنبه ۲۰ اردیبهشت ۱۳۹۹

۲۶۳۳

خبرنامه روزانه سندیکای صنعت برق ایران

# درخواست اختصاص تسهیلات ۱۲ درصدی مصوب دولت به کسب و کارهای صنعت برق

سندیکای صنعت برق ایران طی نامه‌ای از مدیرعامل شرکت توانیر درخواست کرده است پرداخت تسهیلات ۱۲ درصد دولت به سازندگان، پیمانکاران و مشاوران صنعت برق را پیگیری کند.

در ابتدای این نامه ضمن اشاره بر زیان وارده بر صنعت برق در اثر شیوع ویروس کرونا و راهکارهای مقابله با آن، تاکید شده است که ارائه تسهیلات سرمایه در گردش از سوی دولت برای سازندگان، پیمانکاران و مشاوران و تامین کنندگان کالا و خدمات صنعت برق که به دلیل مطالبات معوق از شرکت‌های تابعه وزارت نیرو و شرکت توانیر با بحران شدید نقدینگی مواجه شده‌اند یکی از مهمترین راهکارهایی است که در شرایط کنونی کشور، می‌تواند از تعطیلی و ورشکستگی و به تبع آن از بین رفتن اشتغال و سرمایه‌گذاری‌های انجام شده در این صنعت زیرساختی جلوگیری نماید.

از اینرو انتظار می‌رود شرکت محترم توانیر برای حفظ پایداری شبکه برق به ویژه در فصل تابستان و ایام پیک مصرف برق، ضمن دستور تسریع در پرداخت مطالبات شرکت‌های زنجیره صنعت برق از سوی شرکت‌های تابعه، هماهنگی‌های مقتضی برای تعریف یک خط اعتباری ویژه (مخالف به میزان ۱۰۰۰ میلیارد تومان) از سوی دولت محترم و پرداخت تسهیلات ۱۲ درصدی به سازندگان، پیمانکاران و مشاوران صنعت برق را پیگیری نماید تا از این طریق با تامین نقدینگی و فراهم آوردن امکان ایفای تعهدات تامین کنندگان کالا و خدمات این صنعت، از بروز خاموشی در شبکه برق در شرایط حساس کنونی کشور جلوگیری بعمل آید.



جناب آقای مهندس متولی‌زاده ریاست محترم هیأت‌مدیره و مدیرعامل شرکت توانیر  
موضوع: درخواست اختصاص تسهیلات ۱۲ درصدی مصوب دولت به کسب و کارهای صنعت برق

با سلام و احترام؛  
همانگونه که قبلاً طی نامه شماره ۹۹۰۰۱۲ مورخ ۱۶۹-۹۹۷/۱۶۹۷ با موضوع زیان وارده بر صنعت برق در اثر شیوع ویروس کرونا و راهکارهای مقابله با آن باستحضار رسیده است، ارائه تسهیلات سرمایه در گردش از سوی دولت محترم برای سازندگان، پیمانکاران و مشاوران و تامین کنندگان کالا و خدمات صنعت برق که به دلیل مطالبات معوق از شرکت‌های تابعه وزارت نیرو و شرکت توانیر با بحران شدید نقدینگی مواجه شده‌اند یکی از مهمترین راهکارهایی است که در شرایط کنونی کشور، می‌تواند از تعطیلی و ورشکستگی و به تبع آن از بین رفتن اشتغال و سرمایه‌گذاری‌های انجام شده در این صنعت زیرساختی جلوگیری نماید.

علی بخشی  
رئیس هیأت‌مدیره

- همه آنچه که درباره تسهیلات حمایتی از کارفرمایان در کرونا باید بدانیم ..... ۲
- کرونا و کارآفرینان در جهان در حال توسعه؛ درس‌هایی برای حمایت از کسب‌وکارها ..... ۳
- اصلاحات در قانون جدید مالیات ارزش افزوده ۴
- مخالفت بانک مرکزی با واردات بدون انتقال ارز، به معنای جلوگیری از واردات غیر ضروری است... ۵
- فعلاً امکان دسترسی نقدی به پول برق صادراتی به عراق را نداریم..... ۵
- تولید ۴۰ هزار خودرو در ایران خودرو طی ۴۵ روز گذشته / پیش‌بینی تعادل قیمت‌ها ..... ۵
- رهبری در بحران؛ ۵ واکنش برای مقابله با کرونا ۶
- چالش تهران در مدیریت بحران..... ۷
- فرصت یا تهدید؟ ..... ۸
- فرمول برنده شدن در میان مدت بحران ..... ۹

پرداخت مطالبات شرکت‌های زنجیره صنعت برق از سوی شرکت‌های تابعه، هماهنگی‌های مقتضی برای تعریف یک خط اعتباری ویژه (حداقل به میزان ۱۰۰۰ میلیارد تومان) از سوی دولت و پرداخت تسهیلات ۱۲ درصدی به سازندگان، پیمانکاران و مشاوران صنعت برق را پیگیری کند تا از این طریق با تامین نقدینگی و فراهم آوردن امکان ایفای تعهدات تامین کنندگان کالا و خدمات این صنعت، از بروز خاموشی در شبکه برق در شرایط حساس کنونی کشور جلوگیری بعمل آید.

و کارها تعطیل و کارگران و کارفرمایان خانه نشین شدند. از همین رو، دولت تصمیم گرفت با اعطای تسهیلات از بیکار شدن دائمی افرادی که تحت تاثیر ویروس کرونا خانه نشین شده بودند، جلوگیری کند و به این صورت حامی فرصت‌های شغلی، باشد.

در این زمینه تصمیم بر آن شد تا پایان خردادماه مبلغی برای کارفرمایان پرداخت شود تا بخشی از مشکلاتشان را برطرف شده و اثرات شیوع کرونا به حداقل برسد.

بر اساس اعلام دولت، رقم تسهیلات پرداختی به تعداد کارگران در هر بنگاه بستگی دارد. به این صورت که به ازای هر کارگر شاغل ۱۲ میلیون تومان به کارفرمای متقاضی پرداخت می‌شود که ۷۰ درصد این مبلغ برای پرداخت مزد شاغلان و ۳۰ درصد آن برای سایر هزینه‌های عملیاتی کسب و کار است.

نکته مهم این است که هزینه کردن تسهیلات دریافتی از سوی کارفرمایان در محلی غیر از موارد تعیین شده، مجاز نخواهد بود و کارهایی که طبق مصوبه ستاد ملی کرونا تعطیل شده‌اند به ازای هر شاغل ۱۲ میلیون تومان تسهیلات دریافت خواهند کرد.

### چه وثیقه‌هایی لازم است؟

این تسهیلات همچون سایر وام‌ها نیاز به ارائه وثیقه به بانک عامل دارد، البته دولت تلاش کرده تا سخت‌گیری‌های زیادی اعمال نشود.

حالا این سوال پیش می‌آید که برای دریافت این تسهیلات چه وثیقه‌هایی لازم است؟ برای دریافت تسهیلات با مبالغ مختلف، وثیقه‌های متفاوتی نیاز است.

به طور مثال، برای مبالغ تا ۱۲ میلیون تومان

تنها ارائه سفته توسط متقاضی کافی است اما در تسهیلات ۱۲ تا ۴۸ میلیون تومان علاوه بر سفته، معرفی یک ضامن ضروری خواهد بود.

در تسهیلات بین ۴۸ تا ۱۲۰ میلیون تومان نیز علاوه بر سفته تعداد ضامن‌ها به ۲ نفر اضافه می‌شود. برای تسهیلات ۱۲۰ تا ۱۸۰ میلیون تومان علاوه بر ارائه سفته توسط متقاضی معرفی سه ضامن الزامی است.

اما شرایط دریافت تسهیلات بیش از ۱۸۰ میلیون تومان متفاوت است و باید تضمین‌ها از سوی صندوق ضمانت صادر شود. همچنین تاکید شده که رقم سفته ارائه شده توسط فرد متقاضی ۱.۵ برابر اصل و سود تسهیلات خواهد بود.

### نحوه بازپرداخت به چه صورت است؟

طبق مصوبه کارگروه مقابله با پیامدهای اقتصادی ناشی از شیوع کرونا نرخ سود تسهیلات ۱۲ درصد است و برای اینکه فشار زیادی به کارفرمایان وارد نشود بازپرداخت این تسهیلات بعد از یک ماه تنفس و از مهرماه شروع می‌شود و دوره بازپرداخت ۲۴ ماهه خواهد بود.

### ثبت نام از ۱۳ رسته شغلی آسیب دیده این هفته

پیش از این وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی گفت که از این هفته ثبت نام سامانه «کارا» از کارگاه‌های ۱۳ رسته شغلی که به صورت مستقیم یا غیرمستقیم از کرونا لطمه خورده اند، آغاز خواهد شد. در ادامه نیز وزارتخانه‌های ذیربط این مشاغل از جمله وزارتخانه‌های ارشاد، صنعت، معدن و تجارت، جهاد کشاورزی و میراث فرهنگی درخواست‌های این مشاغل در سامانه کارا را تایید مجدد خواهند کرد تا در نهایت همه این اطلاعات با پایگاه اطلاعاتی سازمان تامین اجتماعی تطبیق داده شود.



## همه آنچه که درباره تسهیلات حمایتی از کارفرمایان در کرونا باید بدانیم

دولت برای حمایت از کارفرمایان و اشتغال افراد پرداخت ۱۲ میلیون تومان به ازای هر نفر در نظر گرفته که سود این تسهیلات ۱۲ درصد و بازپرداخت ۲۴ ماهه خواهد بود. پس از شیوع کرونا در کشور، بسیاری از کسب

جدید در بازارها باشند. در طول بحران کرونا، این اهرم‌ها کماکان واجد اهمیت‌اند، اما هر کدام نیازمند آن هستند که با نیازهای متغیر کارآفرینان تطابق پیدا کنند. بر مبنای گفتگوهای اولیه با کارآفرینان، برنامه‌ها می‌توانند خدمات مشاوره‌ای حساب شده و سنجیده‌ای ارائه دهند.

۳- تعامل در اکوسیستم: همه‌گیری جهانی کرونا ویروس، چالشی جدید برای کسب و کارهای خرد و کوچک است و هیچ سازمان واحدی پاسخی برای چگونگی پرداختن به آن ندارد. بنابراین، پی‌ریزی مشارکت و برقراری گفتگوی مستمر بین سازمان‌های اجرایی، دولت‌ها، بنیادها و سازمان‌های اعطاکننده کمک‌های مالی، بخش خصوصی، سازمان‌های غیردولتی و سایرین در اکوسیستم کارآفرینی، اهمیتی بیش از پیش یافته است.

در بخش پایانی گزارش تاکید شده است: اگر با هم کار کنید، می‌توانید: راه‌ها و شیوه‌های مؤثر را شناسایی کرده و سازگاری و تطابق خود را در طول همه‌گیری جهانی کرونا ویروس تقویت کنید؛ سازمان‌های خود را برای بروز بحران‌های آینده آماده کنید؛

برای سازمان‌ها، اطلاعات کاربردی و واقعی فراهم کنید تا در فرآیند اعطای کمک هزینه‌های مالی از آنها استفاده کنند؛

به مؤسسات مالی و بازیگران بخش خصوصی کمک کنید تا خدمات خود را با وضعیت دشوار کسب و کارهای خرد و کوچک متناسب کنند؛ سیاست‌هایی که از کارآفرینان در مواقع بحران حمایت می‌کنند، تقویت کنید؛

ارتباط سیاست‌ها و رویه‌های جدید دولت با کارآفرینان را تسهیل کنید.

کنیا گرفته تا هند اقدامات سختگیرانه‌ای را برای جلوگیری از شیوع بیماری کرونا در پیش گرفته‌اند، سازمان‌های توسعه چه کارهایی می‌توانند برای کمک به بقای کسب و کارهای خرد و کوچک انجام دهند؟ در این گزارش با استناد به تجارب گذشته سازمان تکنوسرو در زمینه کار با کارآفرینان در مواقع بحرانی برخی ایده‌ها برای پشتیبانی از این بنگاه‌ها منتشر شده است.

**در بخش راهکارهای ارائه شده در این گزارش به سه مرحله تاکید شده است:**

۱- تنظیم مجدد اهداف برای ادامه حیات کسب و کارها: در هنگام ثبات اقتصادی، برنامه‌های کارآفرینی تکنوسرو به بنگاه‌ها و شرکت‌ها در شناسایی و دستیابی به فرصت‌های جدید کسب و کار کمک می‌کنند. تمرکز بر روی رشد است: تقویت سودآوری، افزایش فروش و گسترش تأثیرات اجتماعی، مانند استخدام و تأمین منابع از تأمین‌کنندگان محلی. اما در بحرانی مانند همه‌گیری جهانی ویروس کرونا، رشدی از این نوع تقریباً غیرممکن است. از این رو، این مسأله ضروری است که برنامه‌ها، اهداف کوتاه‌مدت خود را در راستای کمک به بقای کسب و کارها، مورد بازطراحی و بازاندیشی قرار بدهند. پس از عبور از بحران، مجدداً می‌توان تمرکز بر روی رشد را از سر گرفت.

۲- انطباق برنامه‌ها متناسب با نیازهای جدید: گذار از جهت‌گیری رشد-محور به بحران-محور، پیامدهای مهمی برای برنامه‌ها در پی دارد. پروژه‌های کارآفرینی ما در سازمان تکنوسرو، به کسب و کارهای کوچک کمک می‌کند تا: مهارت‌هایی را کسب کنند؛ مدیریت بهتری در مورد امور مالی خود داشته باشند؛ و به دنبال فرصت‌های

مرکز پژوهش‌های اتاق ایران گزارش سازمان تکنوسر با عنوان «کرونا و کارآفرینان در جهان در حال توسعه؛ درس‌هایی برای حمایت از کسب‌وکارها در دوران بحران» را ترجمه و منتشر کرده است، در بخشی از این گزارش آمده است: همزمان با گسترش همه‌گیری کرونا، بقای کسب و کارهای خرد و کوچک در سراسر جهان در معرض تهدید قرار گرفته است. قرنطینه‌ها، ماندن اجباری در خانه و فاصله‌گذاری اجتماعی، انجام کسب و کار را برای بسیاری از این شرکت‌ها، با دشواری مواجه ساخته است. در حالی که، همچنان که انتظار می‌رود در آمریکای شمالی و اروپا توجه زیادی به این مسأله شده که چگونه کسب و کارهای کوچک نجات داده شوند، اما کسب و کارهای خرد و کوچک در کشورهای در حال توسعه، از بسیاری جهات در مقابل اثرات این بحران آسیب‌پذیرتر هستند.

با وجود این، نجات این کسب و کارها از اهمیت خاصی برخوردار است. کسب و کارهای خرد و کوچک، ستون فقرات اقتصادهای نوظهور را تشکیل می‌دهند: براساس برآوردهای سازمان بین‌المللی کار، تقریباً ۹۰ درصد اشتغال در کشورهای آفریقایی زیرصحرای شرق آسیا، متعلق به شرکت‌هایی با کمتر از ۴۹ نفر پرسنل است. در آمریکای لاتین و حوزه کارائیب نیز ۷۵ درصد اشتغال به این شرکت‌ها تعلق دارد. به علاوه، این کسب و کارها بازاری برای تولیدکنندگان محلی و منبعی برای کالاهای اساسی و خدمات حیاتی جوامع آسیب‌پذیر - که اکنون بیش از هر زمان دیگری واجد اهمیت هستند- فراهم می‌آورند؛ جمعیتی که همواره از سوی شرکت‌های بزرگ مورد بی‌توجهی قرار می‌گیرند. با توجه به اینکه دولت‌های مختلف، از السالوادور و



## کرونا و کارآفرینان در جهان در حال توسعه؛ درس‌هایی برای حمایت از کسب‌وکارها

مرکز پژوهش‌های اتاق ایران با ترجمه گزارشی از سازمان تکنوسر با عنوان کرونا و کارآفرینان در جهان در حال توسعه، از شیوه حمایت از کسب و کارها در دوره بحران گفته است؛ چارچوب گزارش سازمان تکنوسر برای حمایت از کارآفرینان شامل تنظیم مجدد اهداف برای ادامه حیات کسب‌وکارها، انطباق برنامه‌ها متناسب با نیازهای جدید و تعامل در اکوسیستم است.

اگر فرار مالیاتی و فرهنگ مالیات‌گریزی را یکی از عوامل اصلی این مخالفت‌ها قبول کنیم، بخش دیگر مخالفت‌ها صرفاً به اجرای نادرست قانون بازمی‌گشت، بنابراین همه کوشش در فرآیند اصلاح لایحه، مصروف آن شد که مشکلات نادرست اجرایی نیز مرتفع شوند. بدون شک اگر همراهی اولیه سازمان امور مالیاتی و به‌ویژه نقش معاونت ارزش افزوده وقت و همچنین مسوولان کارگروه ویژه در مرکز پژوهش‌های مجلس در کالبدشکافی مشکلات

و اصلاح مواد پیشنهادی نهادهای کارفرمایی و حرفه‌ای نبود، شاهد این حجم از اصلاحات نبودیم. به‌خصوص که با جلسات متعددی که تشکیل شد و پس از نظرخواهی از همه اتاق‌های کشور و به‌ویژه هماهنگی بین اتاق بازرگانی، اتاق اصناف و اتاق تعاون برای اولین بار در تاریخ کشور بیانیه و پیشنهادهای مشترک اتاق‌های کارفرمایی کشور در این رابطه صادر و به مجلس هم ارائه شد.

ما مدعی بودیم براساس قانون، مالیات بر ارزش افزوده کالا یا خدمت وضع شده و در طول زنجیره تولید از تولیدکنندگان یا ارائه‌دهندگان خدمات در هر مرحله اخذ می‌شود به این ترتیب در هر مرحله از فرآیند تولید محصول یا خدمت که انجام می‌شود، تولیدکننده یا ارائه‌دهنده خدمات باید مالیات فروش محصول این مرحله را از خریدار دریافت و به سازمان امور مالیاتی در پایان هر دوره مالیاتی (که در حال حاضر سه‌ماهه فصل است) پرداخت و از طرف دیگر چون این تولیدکننده یا ارائه‌دهنده خدمات، هنگام خرید نهادهای تولید خود، مالیات مربوط به آنها را به فروشنده مرحله قبل پرداخت کرده، سازمان مالیاتی باید این مالیات را به او مسترد کند. بدیهی است اگر خرید و فروش در یک دوره مالیاتی صورت گیرد، عملاً تهاتر

حرفه‌ای حسابداری در هماهنگی با اتاق بازرگانی و سازمان مالیاتی عهده‌دار بودند که مثل همیشه معمولاً نامی از آنان نیست و هیچ بهره‌مندی خاصی هم از این قانون جز «حذف نام جامعه حسابداران رسمی از ماده ۲۷» این لایحه نصیبشان نشد. در واقع می‌توان گفت دولتیان و مجلسیان مشارکت فعال حسابداران رسمی را در بررسی این لایحه قبل از تصویب و اجرای قانون، نادیده گرفتند.

### واقعیت چیست؟

مالیات ارزش افزوده یک نوع مالیات غیرمستقیم است که بر ارزش افزوده کالا و خدمات تحمیل و تولیدکنندگان و ارائه‌دهندگان خدمات آن را به نیابت از دولت از مصرف‌کنندگان دریافت می‌کنند و باید طی یک دوره معین به دولت بپردازند. بنابراین اساساً سمت و سوی این مالیات، مصرف‌کننده نهایی بوده و نباید هیچ هزینه‌ای را به تولیدکنندگان و ارائه‌دهندگان خدمات تحمیل کند. اما به علت اجرای نادرست قانون و برخی محدودیت‌های اطلاعاتی در عمل شاهد آن بودیم که همین بخش، از مخالفان اصلی این مالیات بوده و به انحای مختلف اعتراض خود را اعلام می‌داشتند. از طرف دیگر، در گزارش توجیهی تصویب قانون مالیات ارزش افزوده در قبل سال ۱۳۸۷ دولت مدعی بود که با اجرای این قانون همه مالیات‌ها و عوارض غیرمستقیمی که در «قانون تجمیع عوارض» مستتر بود از بین خواهد رفت تا دیگر کارفرمایان نگران پرداخت‌های چندگانه‌ای که روزمره توسط نهادهای دولتی وضع می‌شد، نباشند. در حالی که متأسفانه مجدداً پس از اجرای این قانون شاهد وضع عوارض متعدد به‌خصوص از طرف شهرداری‌ها بودیم، به طوری که این مالیات که در ۱۶۰ کشور جهان پیاده و اجرا شده است مشابه ایران معضل و مشکلاتی ایجاد نکرده بود.

از نقاط ضعف قانون مالیات بر ارزش افزوده فقدان مرور زمان مالیاتی است که به سازمان امور مالیاتی اجازه می‌دهد زمانی طولانی به پرونده مودیان ورود کند که منطقی بود. بدون شک اجرای بهترین و بی‌نقص‌ترین قوانین جهان هم جز در بستر و مناسبات اصولی ممکن نیست، بنابراین دستور کار مقامات مالیاتی باید اجرای قانون خوب با مجری خوب باشد. در شرایط اقتصاد کروناپی که جهان را زمین گیر کرده است توجه دولتمردان و اداره‌کنندگان کشور را به این نکته جلب می‌نماید که حداقل در سال جاری برای خود از نمد مالیات کلاه ندوزند.

اگرچه دولت در اسفند ۱۳۹۵ لایحه قانون دائمی مالیات ارزش افزوده را با نیت تسریع فوری مستند به اصل ۸۵ قانون اساسی تسلیم مجلس کرده بود، اما با نقش خاصی که نهادهای حرفه‌ای حسابداری و حسابرسی، اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی و سایر نهادهای کارفرمایی به نیابت از جامعه کار و تولید کشور به عمل آوردند و با نقش آفرینی رسانه‌های جمعی، نقشه راه تغییر کرد و سرانجام مجلسیان پذیرفتند که اگر قرار است این لایحه گرهی از مشکلات را بگشاید، چه بهتر که در صحن علنی مجلس مطرح شود.

مستندات و تحقیقات موجود نشان می‌دهد که بیش از ۵ هزار ساعت کارشناسی درباره این لایحه تا به امروز انجام شده است که اشخاص ذی‌مدخل آن کوشش کردند در راستای حقوق مالیاتی شهروندان و با هدف تأثیرگذاری این مالیات بر روند توسعه اقتصادی، لایحه‌ای ارائه شود تا نه تنها مشکلات فعلی را مرتفع کند بلکه خود، در اجرا به مشکلات نیفزاید. شاید به جرأت بتوان گفت بیشترین مشارکت را در این لایحه به صورت مستقیم و غیرمستقیم نهادهای



## اصلاحات در قانون جدید مالیات ارزش افزوده

از نقاط ضعف قانون مالیات بر ارزش افزوده فقدان مرور زمان مالیاتی است که به سازمان امور مالیاتی اجازه می‌دهد زمانی طولانی به پرونده مودیان ورود کند که منطقی بود. بدون شک اجرای بهترین و بی‌نقص‌ترین قوانین جهان هم جز در بستر و مناسبات اصولی ممکن نیست، بنابراین دستور کار مقامات مالیاتی باید اجرای قانون خوب با مجری خوب باشد. در شرایط اقتصاد کروناپی که جهان را زمین گیر کرده است توجه دولتمردان و اداره‌کنندگان کشور را به این نکته جلب می‌نماید که حداقل در سال جاری برای خود از نمد مالیات کلاه ندوزند.





## تولید ۴۰ هزار خودرو در ایران خودرو طی ۴۵ روز گذشته / پیش‌بینی تعادل قیمت‌ها

گروه صنعتی ایران خودرو با مدیریت بحران کرونا و ایجاد محیط کار امن در سال ۹۹، موفق به تولید حدود ۴۰ هزار دستگاه خودرو شد.

به گزارش خبرگزاری تسنیم به نقل از ایکوپرس، بررسی آمار تولید در ایران خودرو، حکایت از ایجاد شرایط ثابت و یکنواخت در خطوط تولید و دستیابی به عدد تولید ۳۹ هزار و ۶۵۹ دستگاه خودرو در نیمه بهار دارد. تولید اردیبهشت ایران خودرو در روز پانزدهم این ماه ۲۴ هزار و ۵۵۵ دستگاه به ثبت رسیده است.

این تیراژ در شرایطی محقق شد که به دلیل شرایط خاص به واسطه بیماری کرونا، تولید در سال ۹۹ با تاخیر آغاز شده و روزهای ابتدایی سال کاری صرفاً به تکمیل خودروهای دارای کسری اختصاص یافته است. در حال حاضر با تأکید بر حفظ سلامت کارکنان و رعایت کامل پروتکل‌های بهداشتی و ایجاد محیط کار امن روزانه بیش از دو هزار دستگاه خودرو در گروه صنعتی ایران خودرو تولید می‌شود. پیش‌بینی می‌شود، با ادامه روند افزایشی فعلی، تعداد تولید و عرضه خودرو تا پایان اردیبهشت ماه نسبت به همین بازه زمانی در سال گذشته افزایش قابل توجهی را به ثبت رسانده و افزایش عرضه به بازار سبب نزدیکی بازار خودرو به نقطه تعادل شود.

وی با بیان اینکه در حال حاضر بین ۱۰۰۰ تا ۱۵۰۰ مگاوات به عراق برق صادر می‌کنیم، افزود: البته در فصل تابستان همزمان با رشد مصرف برق در ایران نیاز این کشور نیز به برق افزایش می‌یابد، بنابراین چندان دستانمان باز نیست که به هر میزان که این کشور نیاز داشته باشد برق صادر کنیم.

سخنگوی اتحادیه صادرکنندگان فرآورده‌های نفت، گاز و پتروشیمی تصریح کرد: برای صادرات گاز به عراق وضعیت خوبی داریم، مصرف گاز که برای تأمین سوخت نیروگاه‌ها ارسال می‌شود در حال افزایش است. اکنون روزانه ۳۰ میلیون متر مکعب گاز به این کشور صادر می‌کنیم که رقم خوبی است و بیش از تولید یک فاز پارس جنوبی است.

وی درباره بازگشت پول صادرات برق و گاز از عراق گفت: از سال گذشته تمهیداتی اتخاذ شد تا از پولی که در حساب بانک مرکزی این کشور به خاطر تحریم‌ها بلوکه شده بود، به شکل دیگری برداشت کنیم به این ترتیب که تغییراتی در حساب داده شده و بانک مرکزی اعلام آمادگی کرده پول رسوب شده به خرید کالا از عراق تخصیص داده شود.

حسینی تأکید کرد: قطعاً پیشرفتی حاصل شده که بانک مرکزی به بعضی بانک‌ها پیشنهاد می‌دهد که می‌توانند از محل منابعی که در عراق داریم برای واردات کالا استفاده کنیم، اما بحث نظام همکاری بانکی پیچیده است و بعید است که براحتی حل شود.

وی خاطرنشان کرد: اکنون پول برق و گاز صادراتی ما در حسابی در بانک تجارت عراق است، سال گذشته توانستیم بخشی را برداشت کنیم و بخش دیگر در این حساب مانده است، امیدواریم با حسابی که به نام بانک مرکزی نیست، مشکلی نباشد و امکان استفاده از منابع مان در عراق فراهم شود.



## فعلاً امکان دسترسی نقدی به پول برق صادراتی به عراق را نداریم

سخنگوی اتحادیه صادرکنندگان فرآورده‌های نفتی با اعلام صادرات روزانه حدود ۱۵۰۰ مگاوات برق و ۳۰ میلیون متر مکعب گاز به عراق گفت: اکنون پول گاز و برق صادراتی نزد بانک تجارت این کشور است.

به گزارش سندیکای صنعت برق ایران، حمید حسینی درباره وضعیت صادرات برق و گاز به عراق و بازگشت پول به کشور اظهار داشت: علیرغم اینکه آمریکا ادعا می‌کرد مجوز واردات گاز و برق را از ایران تمدید نمی‌کند، با توجه به نیاز عراق به برق در تابستان، مجبور به تمدید مجدد شد.



## مخالفت بانک مرکزی با واردات بدون انتقال ارز، به معنای جلوگیری از واردات غیر ضروری است

رئیس کل بانک مرکزی گفت: تذکرات مقام معظم رهبری در خصوص واردات غیر ضروری و نیز مقابله با قاچاق، بیانگر صحیح بودن راهبرد بانک مرکزی است.

رئیس کل بانک مرکزی با اشاره به سیاست‌های این بانک برای جلوگیری از واردات غیر ضروری گفت: تذکرات مقام معظم رهبری در خصوص واردات غیر ضروری و نیز مقابله با قاچاق، بیانگر صحیح بودن راهبرد بانک مرکزی است.

«عبدالناصر همتی تأکید کرد: مخالفت بانک مرکزی با واردات بدون انتقال ارز، دقیقاً به معنای جلوگیری از وارداتی است که بدون بررسی ضرورت ورود آن به کشور و بی‌توجه به ملاحظات و تعهدات ارزی، توسط واردکنندگان انجام می‌شود.

وی افزود: در این زمینه، محدودیت‌های ارزی و ضرورت تقویت تولید ملی دلائل محکمی برای ممنوعیت واردات بدون انتقال ارز است.

همتی ادامه داد: از سوی دیگر مقابله با قاچاق علاوه بر اینکه تولید ملی را تقویت می‌کند، با کاهش تقاضای ارز در بازار، موجب کنترل و ثبات بیشتر بازار ارز خواهد شد.

انجام داده اند و خلق راه‌حل‌های جدید (آن هم بدون استفاده از درس‌های گذشته)، میان انگیزه-های متضاد، تعادل ایجاد کنند. اما رهبران ضمن بهره‌گیری از تجارب خود، بینش‌های جدید را نیز می‌پذیرند.

رهبران به هنگام تصمیم‌گیری درباره انجام کارها، باید با قاطعیت عمل کنند. قاطعیت بسیار نه تنها باعث می‌شود سازمان به رهبران اطمینان پیدا کند، بلکه به شبکه تیم‌ها انگیزه می‌دهد تا به جستجوی خود برای یافتن راه حل برای چالش‌هایی که سازمان با آن روبه‌رو است، ادامه دهند.

**ضرورت توجه به ارتباطات بحران و برقراری روابط همدلانه**

اعمال ارتباطات بحران از سوی رهبران غالباً تبعات ناخوشایندی را به همراه داشته است. بارها و بارها شاهد بوده‌ایم که رهبران در مراحل اولیه بحران، لحنی بسیار مطمئن و خوش‌بینانه‌ای داشته‌اند، چنین لحنی موجب شده تا افراد ذینفع درباره آنچه رهبران می‌دانند و چگونگی مدیریت بحران توسط آنها، دچار تردید و سوءظن شوند. همچنین مسئولان تمایل دارند تا زمانی که منتظر دریافت حقایق بیشتر و اتخاذ تصمیمات هستند، ارائه اخبار و اطلاعاتی‌ها متوقف شود.

هیچ یک از روش‌ها، اطمینان بخش نیستند. همانطور که اخیراً امی ادموندسون نوشت: طی بحران، شفافیت مهم‌ترین وظیفه یک رهبر است، بنابراین درباره هر آنچه می‌دانید و نمی‌دانید و اقداماتی که برای کسب بیشتر اطلاعات انجام می‌دهید، شفاف باشید. ارتباطات متفکرانه و مداوم نشان می‌دهد که رهبران پیگیر وضعیت بوده و به محض دریافت اطلاعات بیشتر، واکنش‌های خود را مطابق با اطلاعات جدید تنظیم می‌کنند.

توزیع اختیارات و به اشتراک گذاشتن اطلاعات است: به عبارت دیگر، به تیم‌ها نشان دهیم چگونه می‌بایست عمل کنند. یک رهبر بر اساس طبیعت خود ممکن است در شرایط بحرانی تمایل به تحکیم اختیار تصمیم‌گیری و کنترل اطلاعات داشته باشد تا از این طریق ضروری‌ترین اطلاعات لازم برای وی فراهم شود. اما برعکس این جریان موجب تشویق تیم‌ها برای پیگیری درخواست می‌شود. همچنین رهبران ارشد باید اطمینان یابند که به افراد مناسب در سراسر شبکه تیم‌ها برای تصمیم‌گیری درباره واکنش به بحران، قدرت داده اند. از آنجا که تصمیم‌گیرندگان احتمالاً مرتکب برخی از اشتباهات خواهند شد، باید بتوانند بدون واکنش بیش از حد و یا متوقف کردن کار سازمان، به سرعت به اشتباه خود پی برده و آن را اصلاح کنند. به هنگام شروع یک بحران، رهبران ارشد باید تصمیم‌گیرندگانی را برای هدایت واکنش به بحران منصوب کنند. اما طبیعتاً با تحول و گسترش بحران، رهبران جدیدی برای پاسخ به بحران در ساختار شبکه تیم‌ها ظهور خواهند یافت و این رهبران همیشه مدیران ارشد نخواهند بود.

#### به‌روزرسانی و تردید

دو رفتار شناختی می‌تواند به رهبران در ارزیابی و پیش‌بینی کمک کند. یکی، به‌روزرسانی نامیده می‌شود که شامل تجدید نظر و اصلاح ایده‌ها بر پایه اطلاعات جدید جمع‌آوری شده و همچنین توسعه دانش از سوی تیم‌ها است. دوم، تردید است که به رهبران کمک می‌کند اقدامات جاری و بالقوه را بطور انتقادی مورد توجه قرار دهند و تصمیم بگیرند که آیا آنها نیاز به اصلاح، تعدیل یا کنار گذاشته شدن دارند یا خیر. به‌روزرسانی و تردید به رهبران کمک می‌کند تا بر پایه آنچه پیشتر

هنگام بحران رهبران به برنامه‌های واکنش از پیش تعریف شده نیاز ندارند، بلکه نیازمند روش‌های رفتاری و فکری هستند که آن‌ها را از واکنش شدید به تحولات قبلی باز داشته و در توجه و نگاه به سمت تحولات پیش رو کمک می‌کنند. در این مقاله، به برخی از این راهکارها اشاره شده است»

بر اساس این گزارش، رهبران به برنامه‌های واکنش از پیش تعریف شده نیازی ندارند، بلکه نیازمند روش‌های رفتاری و فکری هستند که آنها را از واکنش شدید به تحولات قبلی باز داشته و آنها را در نگاه و توجه به تحولات پیشرو کمک کنند. رهبران باید طی یک بحران، اعتقاد به ثبات بخش بودن واکنش و پاسخ‌های سلسله‌مراتبی بالا به پایین را کنار بگذارند. در موارد اضطراری روزمره، یک شرکت عادی می‌تواند به ساختار فرمان-کنترل (بالا به پایین) متکی بوده و با استفاده از یک پاسخ از پیش فراهم شده، عملیات را به خوبی مدیریت کند. اما در بحران‌هایی که ماهیت آنها ناشناخته است و رهبران با مشکلاتی ناآشنا (که درک کمی از آن دارند) مواجه می‌شوند، این نوع واکنش دیگر کارساز نیست. در این حالت، دیگر یک گروه کوچک از مدیران در بالاترین سطح یک سازمان نمی‌توانند با سرعت کافی اطلاعات را جمع‌آوری و به سرعت برای یک واکنش مؤثر تصمیم‌گیری کنند. رهبران می‌توانند از طریق مشخص کردن و شفاف‌سازی اولویت‌های واکنش، و همچنین توانمندسازی دیگر افراد برای بررسی بحران و اجرای راه‌حلهایی که در خدمت اولویت‌های تعیین شده باشد، سازمان خود را به شکل بهتری بسیج کنند.

مقاله منتشر شده در قدم بعدی پیشنهاد می‌دهد رهبران باید همکاری و شفافیت را در سراسر شبکه تیم‌ها تقویت کنند. یکی از راه‌های انجام این کار،



## رهبری در بحران؛ ۵ واکنش برای مقابله با کرونا

شرکت مکنزی مقاله‌ای که اخیر منتشر شده است، مرکز پژوهش‌های اتاق ایران منتشر شده است، پنج شیوه رفتاری و فکری را که می‌تواند به رهبران در کنترل و هدایت بحران شیوع کرونا و بحران‌های آتی کمک کند، مورد بررسی قرار داده است.

در مقدمه این گزارش آمده است: «بیماری همه گیر کرونا، رهبران شرکت‌ها و سازمان‌های تمام بخش‌ها در سراسر جهان را در بوته آزمایش قرار داده است. تبعات و اثرات این بیماری می‌تواند برای مدت طولانی تری ادامه داشته و مشکلاتی بیشتر از آنچه پیش‌بینی شده به وجود آورد. در

رخداد زلزله ۵/۱ ریشتری ساعت ۰۰:۴۸ روز ۱۹ اردیبهشت که براساس دانش ما از زلزله در شمار زلزله‌های «متوسط» تلقی می‌شود، نمونه کوچکی از ایجاد شرایط بحرانی حتی با رخداد مخاطرات کم‌تاثیر فیزیکی بود که نمونه آن را در سال ۱۳۹۶ در موقع وقوع زلزله ملارد نیز تجربه کرده‌ایم. همین پدیده، شاخص مناسبی برای عمق نفوذ مبانی مدیریت پیشرفته بحران در سطح عمومی است. تا شعاع ۶۰ کیلومتری از زلزله ۵/۱ ریشتری جمعه ۱۹ اردیبهشت دماوند که سکونتگاه‌های شهری و روستایی و ساکنان آن می‌توانند شدت بین ۴ تا ۶ این زلزله را احتمالاً احساس کنند، براساس آمار مرکز آمار (آمار سال ۱۳۹۵) ۴۰۲ هزار و ۶۱۸ نفر در مراکز جمعیتی روستایی و ۹ میلیون و ۵۵۱ هزار و ۲۷۲ نفر جمعیت شهری وجود دارد. اثر زلزله دماوند به‌عنوان نوترین رخداد طبیعی و شاخص سنجش می‌تواند چالش‌های ما را در مدیریت بحران شهر تهران به‌عنوان یک مساله ملی و نه شهری، نشان دهد.

۶۳ درصد از واحدهای مسکونی روستایی در شعاع ۶۰ کیلومتری از مرکز زلزله، فاقد اسکلت هستند که با نسبت جمعیتی ۳/۶ میلیون نفری (جمعیت در واحد مسکونی روستایی)، نزدیک به ۱۵۰ هزار نفر در چنین واحدهایی سکنی گزیده‌اند. واحدهای مسکونی شهری هر چند کیفیت عمومی بهتری دارند، حدود ۱۱ درصد واحدهای شهری فاقد اسکلت هستند، اما با توجه به تمرکز بسیار بالای جمعیتی، تعداد جمعیت شهری در معرض ریسک به‌مراتب قابل‌ملاحظه است. در سکونتگاه‌های شهری جمعیت ساکن در واحدهای فاقد اسکلت و کم‌مقاوم یا غیرمقاوم در برابر زلزله، با توجه به ضریب ۳/۰۵ نسبت جمعیت به واحد مسکونی،

حدود ۹۲۵ هزار نفر از محدوده اثر محسوس زلزله (شعاع ۶۰ کیلومتری از رومرکز زلزله ۵/۱ ریشتری دماوند) است. طبیعی است همین نمود از شرایط زمینهای، به‌خودی خود تجسم رشد ابعاد بحران را نشانگر است. وجود ۳۰ گسل متوسط در محدوده شهری تهران، قرارگیری کلان‌شهر تهران در پای ارتفاعات که مرز بین کوه و دشت آن، گسلیده و به‌شدت لرزه‌زا است، زمینه محیطی دیگری را برای بروز بحران فراهم می‌کند.

پتانسیل بروز سریع شرایط بحرانی با توجه به مشرف بودن حداقل ۷ روددره با توان ایجاد سیل‌های ناگهانی flash flood درمورد سیلاب هم به همان حالت زلزله است و رخداد سیلاب‌های سال‌ها و دهه‌های گذشته معرف احتمال وقوع بحران در این حوزه است. موضوع فرونشست زمین، فروریزش‌های شهری، آلودگی هوا، تراکم جمعیت، تمهیدات تخلیه شهری و مقابله با حوادث و سوانح، لزوم بازنگری‌های مستمر را در مدیریت سامان یافته و پیشرفته کلان‌شهری مانند تهران و البته سایر کلان‌شهرهای ایران زمین گوشزد می‌کند. نگاهی به سیمای کنونی مدیریت بحران به‌عنوان یک ساختار عمومی و گسترده و نه به‌صورت یک نهاد خاص و دارای مسوولیت در این زمینه نشان می‌دهد که به‌رغم پیشرفت‌هایی که در زمینه مدیریت بحران طی سال‌های اخیر به‌دست آورده‌ایم، هنوز با شرایط قابل‌قبول در این زمینه فاصله داریم.

ارزیابی‌های کارشناسی نشان می‌دهد پیشرفت‌های ما در برخی حوزه‌ها، قابل‌قبول و در تعدادی دیگر ضعیف بوده است. یکی از نظرسنجی‌های کارشناسی نشان می‌دهد که از میان کاستی‌های عمده در نظام مدیریت بحران شهر تهران و نیز در سطح ملی،

رفتار نوسانی مدیریت بحران است. به این معنی که با رخداد حادثه‌ای مانند زلزله ۵/۱ ریشتری دماوند یا سیلاب‌های فروردین‌ماه ۱۳۹۸، یا زلزله کرمانشاه و... تمامی توجهات به‌سوی این مخاطرات جلب می‌شود؛ به‌طوری‌که بررسی‌های نگارنده نشان می‌دهد از دیدگاه مقابله‌ای مدیریت بحران در کشور ما از بسیاری کشورها، مطلوب‌تر عمل می‌کند؛ اما متأسفانه باز براساس همان بررسی‌ها و نیز واقعیت‌های مشهود و ملموس اجتماعی می‌توان اذعان کرد، امر استمرار در اتخاذ شیوه‌هایی برای کاهش دامنه بحران و محدود کردن ابعاد و مدت دوام آن، متأسفانه خدشه‌دار است. بررسی‌های تطبیقی و مقایسه‌ای مدل‌های مدیریتی ۱۲ کشور با سازوکار مناسب مدیریت بحران و ریسک نشان می‌دهد که در سازوکار مدیریت بحران در کشور ما به معنی عام و در عموم دستگاه‌های اجرایی، دولتی، غیردولتی و عمومی، اقداماتی که به‌عنوان کاهش ریسک در چرخه کلاسیک مدیریت بحران، در فاز پیش از رخداد، به‌عنوان اقدامات پیشگیرانه مطرح است، کم‌رنگ‌تر و کم‌اهمیت‌تر است. عدم توجه به اقدامات درازمدت و قبل از وقوع حادثه در کشور و از آن جمله در کلان‌شهر تهران، منجر به رفتار هیجان‌زده و التهابی در نزد مردم و گاه نیز مسوولان می‌شود. این خصلت از نظر نگارنده، مهم‌ترین چالش مدیریت بحران در کلان‌شهر تهران است. بی‌مناسبت نیست تجربه زلزله ملارد در پاییز سال ۹۶ و بعد از رخداد زلزله ۷/۳ ریشتری ازگله را نیز مرور کنیم. مردم ساکن تهران، کرج و اطراف آن (شعاع تاثیر آن زلزله هم از نظر جمعیتی بالا بود)، آن زلزله را به‌خوبی به یاد دارند. بعد از گذشت بیش از دو سال، با وقوع زلزله ۵/۱ ریشتری دماوند، تغییر در رفتار توأم با استرس و التهاب تا



## چالش تهران در مدیریت بحران

دکتر علی بیت‌اللهی؛ عضو هیات علمی مرکز تحقیقات راه، مسکن و شهرسازی

تهران شهر بسیار بزرگی است، جمعیت ثابت بالای ۸ میلیونی و جمعیت شناور روزافزون بین ۲ تا ۳ میلیونی (گاه بیشتر از آن)، این شهر را در زمره کلان‌شهرهای بزرگ دنیا قرار داده است. ارزیابی‌ها نشان می‌دهد تهران از نظر ریسک لرزه‌ای در بین ۵ شهر اول دنیا و از نظر ریسک کلیه مخاطرات در بین ۱۰ کلان‌شهر دنیا قرار می‌گیرد.



تحلیل بنیادی بازار سهام بر پایه‌های کلان

## فرصت یا تهدید؟

دکتر حسن درگاهی / دانشیار دانشکده اقتصاد و علوم سیاسی دانشگاه شهید بهشتی

**بازار سهام یک بازار سرمایه برای تخصیص منابع مالی به بنگاه‌ها و یک بازار دارایی برای حفظ ثروت خانوارها است. در نتیجه به‌عنوان جزئی از بخش مالی ارتباط تنگاتنگی با تحولات بخش حقیقی اقتصاد از یکسو و تحولات سایر بازارهای جایگزین دارد.**

به‌طوری که وضعیت این بازار می‌تواند برای بخش حقیقی تعیین‌کننده بوده و عوامل مرتبط با بخش حقیقی نیز متغیرهای بنیادی تعیین‌کننده ارزش در بازار سهام هستند. گفته می‌شود که شاخص بازار سهام، نبض اقتصاد است. به این معنی که افزایش شاخص بازار سهام نشان‌دهنده بهبود کسب و کار، اشتغال و در نهایت رونق اقتصادی است و افت شاخص نیز هشدار برای رکود اقتصادی است. تحولات بی‌سابقه بازار بورس در ماه‌های اخیر نقش و اهمیت بازارهای مالی به ویژه بازار سهام را از جمله مباحث مهم اقتصادی کشور قرار داده است به‌طوری که روند فزاینده شاخص قیمت سهام در فضای رکود تورمی اقتصاد، به‌عنوان عملکرد تعارض‌آمیز بخش مالی با بخش حقیقی کشور تلقی می‌شود. به این جهت نوسانات بازار سهام نیازمند تبیین دقیق‌تری است. در این رابطه سوالات چندی به شرح زیر می‌توان مطرح کرد که پاسخگویی آن در سیاست‌گذاری اقتصاد کشور موثر است:

الف- آیا رونق بازار سهام نشانه رونق فعالیت‌های جاری و آتی اقتصادی است؟

ب- آیا قیمت‌های سهام در روند فزاینده خود با متغیرهای بنیادی اقتصاد کلان قابل توضیح است

یا حباب را تجربه می‌کند؟

ج- در صورت وجود حباب آیا جایگاهی برای اصلاح روند توسط سیاستگذاران اقتصادی وجود دارد یا اینکه باید منتظر مکانیزم خوداصلاحی بازار از طریق ترکیدن حباب و برگشت قیمت سهام به روند تعادلی بلندمدت باشیم؟

در جهت تبیین موضوع، نکات زیر یادآوری می‌شود:

۱- شاخص کل سهام که در پایان سال ۹۸ رشد سالانه ۱۸۰ درصدی را تجربه کرده بود، در سال ۹۹ نیز تا نیمه اردیبهشت‌ماه با رشد بیش از ۷۱ درصد مواجه شد. مطابق با تحلیل روزنامه «دنیای اقتصاد» سیزدهم اردیبهشت ماه سال جاری، رشد شاخص کل از ابتدای سال لزوماً به معنی کسب چنین سودی توسط تمام سهامداران نیست و در عمل بسیاری از بورس‌بازان به چنین سودهای شگفت‌انگیزی دست نیافته‌اند زیرا از ۵۵۳ نمادی که در معاملات آخرین روز هفته گذشته در مجموع بورس، فرابورس و بازار پایه فعال بودند تنها ۱۵۷ نماد، رشدی برابر یا بیشتر از شاخص کل بورس داشتند و در سمت مقابل ۳۹۶ نماد یعنی معادل ۷۲٪ درصد از کل نمادهای سهامی فعال در بازار سرمایه در رقابت با شاخص کل جا ماندند. نکته جالب توجه این است که نمادهایی که کمترین بازدهی را در سال جدید داشته‌اند، نمادهایی بوده‌اند که در سال ۹۸ اغلب بازدهی‌های چند صد درصدی داشته‌اند و گاه تا ۱۰ برابر هم رشد کرده‌اند.

۲- این روزها برخی از اقتصاددانان بر اساس تحلیل‌های اقتصادی عقیده دارند که بخش عمده‌ای از رشدهای پرشتاب بازار سهام نه به علت ارزندگی سهام از نظر بنیادی بلکه به‌دلیل نقدینگی عظیمی است که در مسیر بورس تهران قرار گرفته است. این در حالی است که برخی از فعالان و

کارشناسان مالی با استفاده از تحلیل‌های تکنیکال کوتاه‌مدت اعتقادی بر انحراف شاخص قیمت سهام از ارزش ذاتی خود ندارند. این تعارض در تحلیل واقعیت بازار سهام قطعاً به سود عاملان اقتصادی خرد و کلان نیست و در صورت ریزش قیمت در مقطعی از آینده، بحران مالی همه اقتصاد ملی را گرفتار و رکود اقتصادی را در شرایط تحریم و کرونا مجدداً تعمیق و همه آورده‌های سهامداران تازه‌وارد را به باد خواهد داد. بنابراین به دلیل اهمیت موضوع، ضروری است بررسی‌های دقیق کارشناسی، جدای از فضای هیجانی بازار، انجام گیرد. به‌علاوه رونق کاغذی بازار سهام ریسک ورود سرمایه به فعالیت‌ها و بخش‌های مختلف اقتصادی را کاهش و سرمایه‌گذاری‌های غیرمعتبر را افزایش می‌دهد. همچنین اثر ثروت باعث افزایش مصرف و انتقال منحنی تقاضای کل می‌شود و در مجموع به تخصیص غلط منابع منجر می‌شود.

۳- حباب در بازار سهام وقتی وجود دارد که سرمایه‌گذاران تمایل دارند که برای سهام، قیمتی بیش از ارزش فعلی عایدی‌های بهره‌ای بپردازند. در این شرایط قیمت سهام از ارزش ذاتی خود فاصله می‌گیرد و تغییرات آن با تحولات متغیرهای بنیادی اقتصاد قابل توضیح نیست. دلیل وقوع چنین پدیده‌ای در بازارهای دارایی، به‌رغم احترام به یافته‌های اقتصاد رفتاری و تبیین حباب رفتاری، پیشی گرفتن قیمت‌های مورد انتظار از قیمت تعادلی در طی زمان توسط فعالان بازار آینده‌نگر، در چارچوب تشکیل انتظارات عقلایی و مشروط به یک مجموعه اطلاعاتی است. بنابراین تصمیمات جاری بر اساس پیش‌بینی شرایط آتی بازار اتفاق می‌افتد. آنچه که مبنای این تحلیل را عقلایی می‌کند نه لزوماً پیش‌بینی‌های صحیح از

آینده بازار با استفاده از اطلاعات کامل و درست است بلکه جدای از محتوای پیش‌بینی، تأکید بر روش پیش‌بینی است که در آن اطلاعات موجود و برداشت‌ها و تفسیرهای فعالان بازار از شرایط جاری و آتی اقتصاد، در تصمیمات جاری آنها مورد استفاده قرار می‌گیرد. با این تفسیر در هر بازاری که قیمت مورد انتظار آتی به هر دلیلی از قیمت اولیه تعادلی فاصله گیرد، منحنی تقاضای بازار به‌طور مستمر به سمت بالا انتقال یافته و قیمت جاری به‌طور دائم از روند تعادلی خود دور و دورتر می‌شود. فرآیند پویای قیمت‌های حبابی تا زمانی ادامه می‌یابد که سیاست جدیدی یا اطلاع جدیدی منجر به تعدیل انتظارات فعالان بازار به سمت روند تعادلی شود. اقتصاد ایران وقوع چنین پدیده‌ای را قبلاً در بازارهای مختلف دارایی چون مسکن، ارز و سهام چندین بار تجربه کرده است.

۴- همچنان‌که در ادامه خواهد آمد، بازار سهام به دلیل گسترش تقاضای سفته‌بازی به شدت حبابی است و بر اساس تحولات متغیرهای بنیادی قابل توضیح نیست. قیمت سهام به‌طور معمول از یک سو تحت‌تأثیر بخش حقیقی اقتصاد، قیمت نفت و قیمت دارایی‌های جایگزین مانند نرخ ارز و نرخ سود بانکی و از سوی دیگر نقدینگی است. در شرایط حاضر با رکود اقتصادی، کاهش قیمت نفت و افزایش ناچیز نرخ ارز حقیقی و کاهش نرخ سود حقیقی بانک‌ها مواجه هستیم. بنابراین عامل تشدیدکننده قیمت سهام از سال گذشته، تورم‌های مورد انتظار در فضای نااطمینانی‌های شدید سیاسی و اقتصادی است که زمینه انتقال نقدینگی بالا به بازار سهام را توسط سرمایه‌گذاران حقیقی، با هدف حفظ ارزش دارایی‌ها، فراهم کرده است. در هر صورت انتظارات قیمتی و به‌تبع آن





هفت اولویت افراد برای «اکنون جدید»

## فرمول برنده شدن در میان مدت بحران

رشد نمایی ویروس کرونا، به تغییرات نمایی در ابعاد مختلف کار کردن ما منجر شده است. برای خیلی از ما، فضایی که در آن کار و زندگی می‌کنیم، یکی شده است. آنهایی که امکان دورکاری ندارند، مجبور شده‌اند اقدامات پیشگیرانه شدیدی برای حفظ ایمنی و فاصله اجتماعی انجام دهند. چیزی که مشخص است اینکه قرار نیست به آخرین شرایطی که قبل از شیوع کرونا داشتیم، برگردیم.

این پاندمی سه فاز را به وجود آورده است. اول، فاز بحران که شرکت‌هایی را در برمی‌گیرد که بر اثر فوری آن غلبه می‌کنند. سپس فاز افزایشی اتفاق می‌افتد که توسط افرادی تعریف می‌شود که شروع به بازگشت به کار می‌کنند. زمان و مکان وقوع هر فاز به فاکتورهای متعددی بستگی دارد و در حالی که دنیا با آن دست و پنج نرم می‌کند، فاز سوم به سرعت پدیدار می‌شود. این فاز در برخی جهات همین الان هم اتفاق افتاده است. تاکنون در مورد «نرمال جدید» و «آینده کار» زیاد شنیده‌ایم، اما این نکات سرعت تغییری را که بر واقعیت

فعلی ما اثرگذار است، نادیده می‌گیرند. سازمان‌ها باید فراتر از نرمال جدید را ببینند و در عوض «اکنون جدید» را پیش‌بینی و خود را برای آن آماده کنند. وقتی به آینده نگاه می‌کنیم، هفت اولویت افراد، اکنون جدید را تعریف می‌کنند. شرکت‌ها باید مزیت رقابتی خود را سرعت ببخشند و این اولویت‌ها نقش مهمی در این سفر ایفا می‌کنند. این اولویت‌ها را مرور می‌کنیم:

۱- استاندارد برای کار هوشمند  
تغییر چندساله، آن قدر سرعت گرفته که در چند هفته رخ داده و نتایج آن باقی خواهد ماند. کار هوشمند همین الان در خیلی از شرکت‌ها رخ داده، اما به زودی به استاندارد جدیدی در همه سازمان‌ها تبدیل خواهد شد.

فراهم کردن امکان همکاری مجازی و دورکاری در مقیاس گسترده. در اکنون جدید، این فعالیت‌ها باید کارآمد و پایدار باشند. باید بهترین فعالیت‌ها (مثل چگونگی چابک ماندن در فعالیت‌های از راه دور) را شناسایی کنیم، اشکال جدید حضور مدیریت سازمان را ایجاد کنیم و صمیمیت اجتماعی مجازی ایجاد کنیم تا بهره‌وری نیروی کار را به حداکثر برسانیم. تمرکز از فعالیت‌محوری به بازدهی‌محوری تغییر خواهد یافت و این یعنی کار کردن در یک مکان خاص، دیگر فاکتوری برای ارزیابی عملکرد نخواهد بود. دورکاری به‌طور کامل جای حضور در محل کار را نخواهد گرفت، اما روشی تکمیلی خواهد بود.

امتحان کردن رویکردی جدید که بین دورکاری و حضور در محل توازن ایجاد کند. این توازن می‌تواند اشکال متعددی داشته باشد. مثلاً مدل ۵۰ درصد کار از خانه، یا تغییر شیفت بین تیم A و B. چیزی که در ایجاد الگوهای منعطف جدید برای کار ضروری است، تعیین هنجارهایی در سطح سازمانی است، به طوری که این هنجارها بتوانند در برابر نیروی عادت‌های قدیمی مقاومت کنند. دیجیتال‌سازی فرآیندهای کاغذی

سنتی هم باید تسریع شود.

راه‌اندازی محیط‌های کار هوشمند. محیط کار هوشمند باید در هر نوع فضای فیزیکی قابل اجرا باشد- از جمله دفاتر اداره، خانه، و تاسیسات تولید. و تکنولوژی باید به خدمت همکاری و تیم‌سازی بیاید. در کارخانه‌ها، تکنولوژی‌های تولید هوشمند می‌توانند کارگران را از وظایف دستی و غیرمنعطف خلاص کنند و استانداردهای بالای مستمری برای بهداشت و ایمنی که از سرایت بیماری‌های آینده جلوگیری کند، ایجاد کنند

۲- سلامت جسمی و روانی به‌عنوان ارکان سازمانی  
در اکنون جدید، سلامت جسمی اولویت دارد، اما سلامت روان و دیگر اقدامات در جهت رفاه کارکنان که به پرورش نیروی کار منعطف کمک کند، به همان اندازه مهم است.

پرورش قابلیت‌های سلامت جسمی. تضمین سلامت جسمی کارکنان یعنی آمادگی در برابر بازگشت موج بعدی کرونا یا دیگر بیماری‌های واگیردار احتمالی. استانداردها برای بهداشت شرکتی باید در آینده بالا نگه داشته شود. برای مقابله زود هنگام با هرگونه تهدید احتمالی به‌منظور ارتقای سلامت کارکنان، شرکت‌ها باید داده‌های بزرگ و ابزارهای دیجیتال- مثل اپلیکیشن‌هایی که فاصله‌گذاری اجتماعی را ترویج می‌دهند، شیوع ویروس را ردیابی می‌کنند، یا از مدیریت دیگر مشکلات بهداشتی حمایت می‌کنند، اهرم قرار دهند.

اهمیت دادن به سلامت روان و ذهن آگاهی. این بحران استرس زیادی به خیلی از کارکنان وارد کرده که اثر آن حتی می‌تواند بعد از پایان بحران هم ادامه داشته باشد. تعداد قابل توجهی از شرکت‌ها احتمالاً با آسیب‌های شدید به نیروی کار و مدیریت خود از این بحران بیرون خواهند آمد که این آسیب‌ها متوجه سود آنها هم خواهد شد و فشار بیشتری را به نیروی کار برای جبران

آن وارد خواهد کرد. رویه‌رو شدن با عوامل استرس‌زای مختلف، به ما یاد داد که در ادامه کار، مراقبت از سلامت کارکنان باید فراتر از نگرانی‌های جسمی باشد.

ترویج رفاه و انعطاف‌پذیری. سلامت جسمی و ذهنی پایدار، برای پیشرفت ما ضروری است و به محض اینکه این نیازها برآورده شد، می‌توانیم یاد بگیریم رفتارهای جدید داشته باشیم و منعطف و خلاق باشیم. تکنیک‌هایی که امکان برقراری توازن بهتر بین کار و زندگی را فراهم می‌کنند، کلید حفظ نیروی کار بهره‌ور است.

۳- الگویی جدید برای مهارت‌ها و استعداد  
برای تاب‌آوردن در زمان‌های سخت، سازمان‌ها مجبورند قابلیت‌های جدید با سرعت و مقیاسی بی‌سابقه ایجاد کنند

ایجاد یک اکوسیستم یادگیری سازگار. درسی که این بحران به ما داد این است که سازمان‌هایی که در تلفیق بازتاب، یادگیری و نوآوری با جریان کاری روزمره خود بیشترین قابلیت را دارند، با آمادگی بیشتری به چالش‌های غیرقابل پیش‌بینی پاسخ می‌دهند. رهبران و تیم‌های سازمانی باید دنبال کردن تجربیات، مهارت‌ها و دانش جدید را به بخشی از روتین روزمره خود تبدیل کنند. بازنگری‌های مداوم، قرار دادن یک عنصر یادگیری در هر جلسه، چرخش مداوم نقش‌ها و وظایف و حتی موقعیت‌های خارجی باید به یک هنجار تبدیل شود. حالا شرکت‌ها بیش از همیشه در سرعت یادگیری و اینکه سازمان‌ها و کارکنان آنها با چه سرعتی می‌توانند تغییر را جذب و قابلیت‌ها را ایجاد کنند، با هم رقابت می‌کنند. این موضوع در آینده هم ادامه خواهد یافت.

ارتقا و تغییر مهارت‌ها با ایجاد قابلیت‌های دیجیتال در مقیاس گسترده. مطالعاتی که قبل از پاندمی کرونا انجام شده بود، پیش‌بینی کرده بود که بیش از ۶۰ درصد کارکنان دنیا در سال‌های آینده به ارتقای مهارت یا تغییر اساسی مهارت نیاز دارند. این بحران، مثل یک

خروج مردم تهران از منازل پس از زلزله ۵.۱ ریشتری



**IRNA**  
1934  
ABDOLLAH HEYDARI